

# عرش را لمس کن

مترجم :

۴\_۵\_۵12

ویراستار :

Tsuki

کلینر :

لاکس

تایپیست :

لاکس

کاری از تیم :

Flaxen Guys



@Flaxen\_Guys



@Flaxen\_Guys



@FlaxenGuys





九天  
TOUCH  
THE  
EMPIREAN

چتر ۵ - اراده کی او

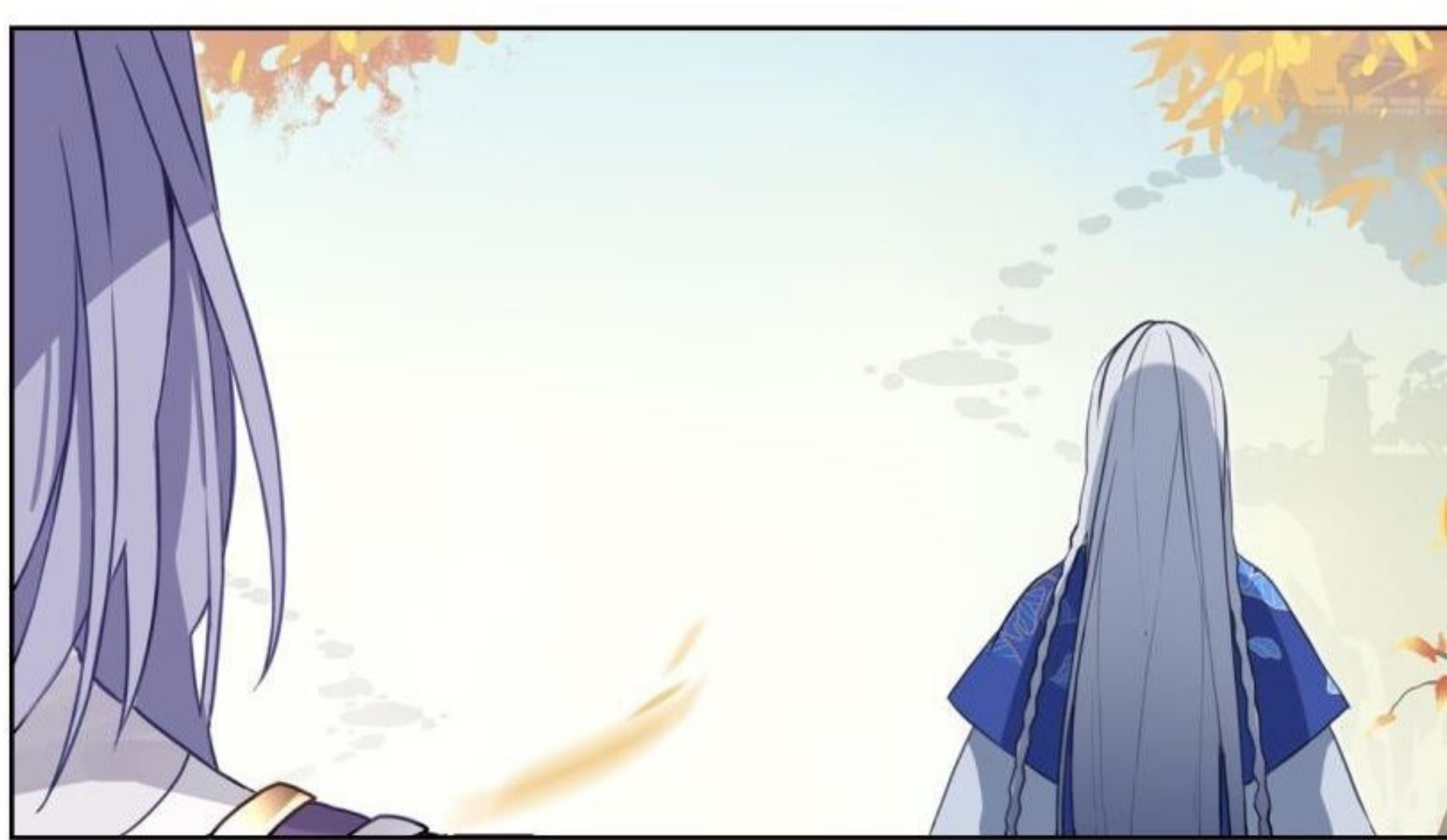
نویسنده و طراح: XuanGe

همکار مشترک: NECOMiao

منول ویرایش: YuHuo









ایشون

...

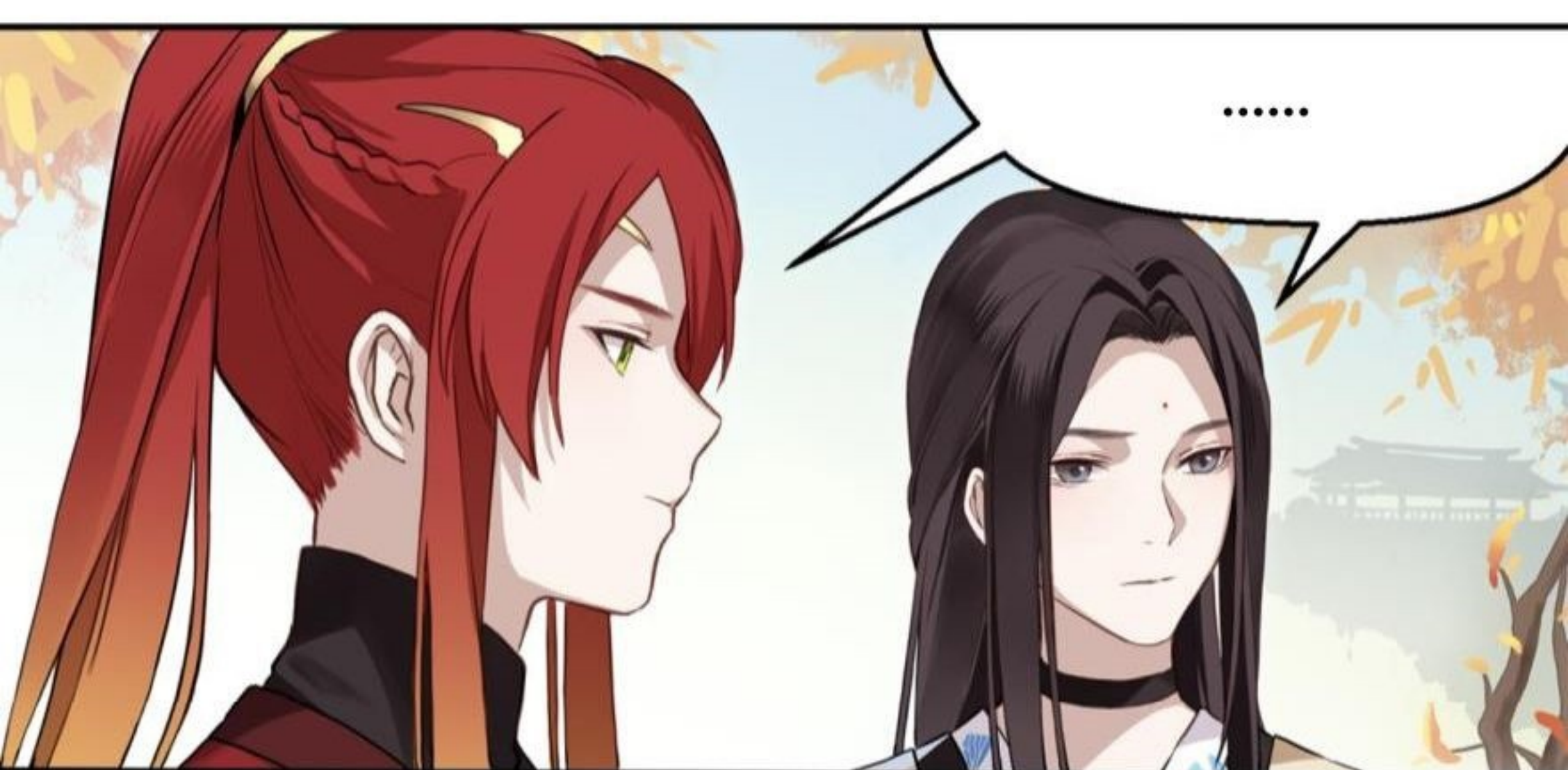
کشیش  
شائویو  
بودن؟



بله، از وقتی که اون  
بزرگ شده، ما نسبت به  
قبل، کمتر و کمتر  
حرف زدیم.

✦  
✦





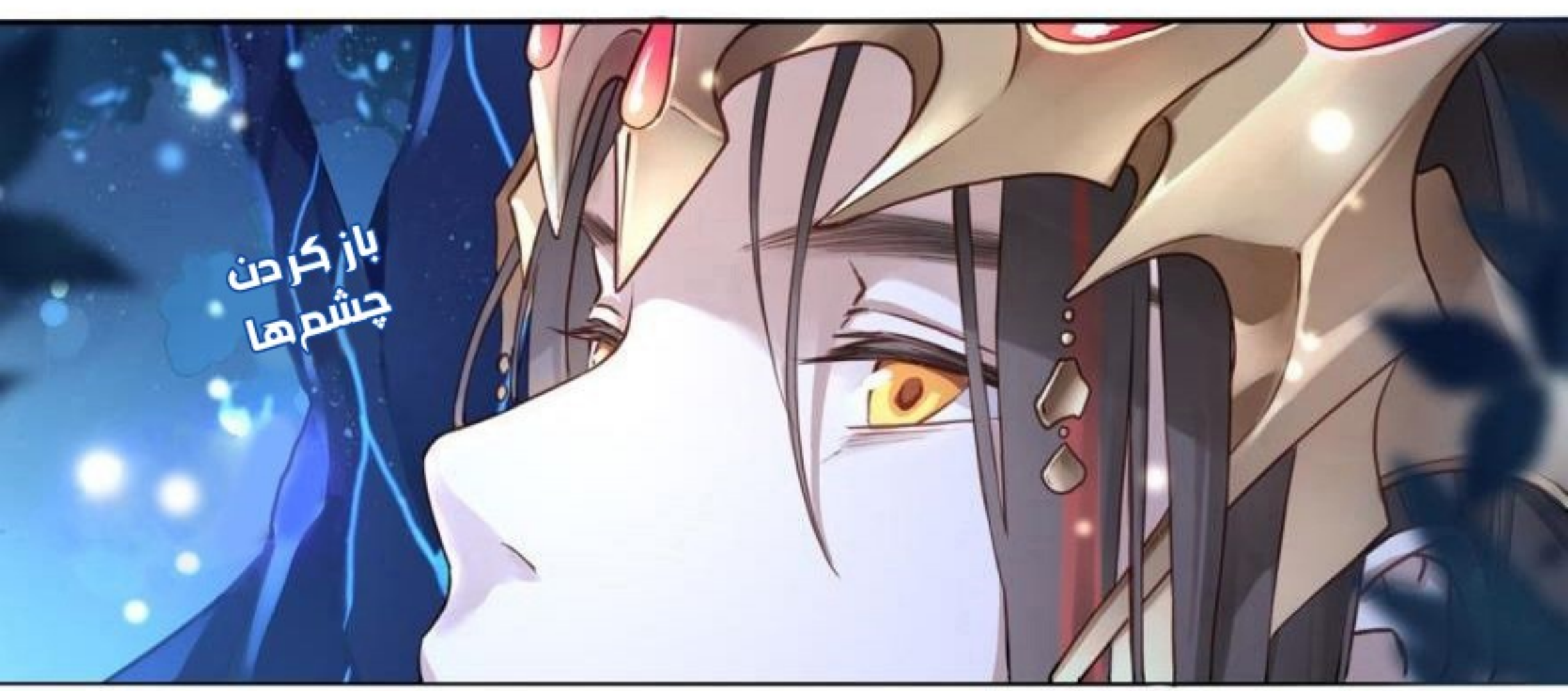


منطقه ممنوعه عرش الهی.

سرورم...



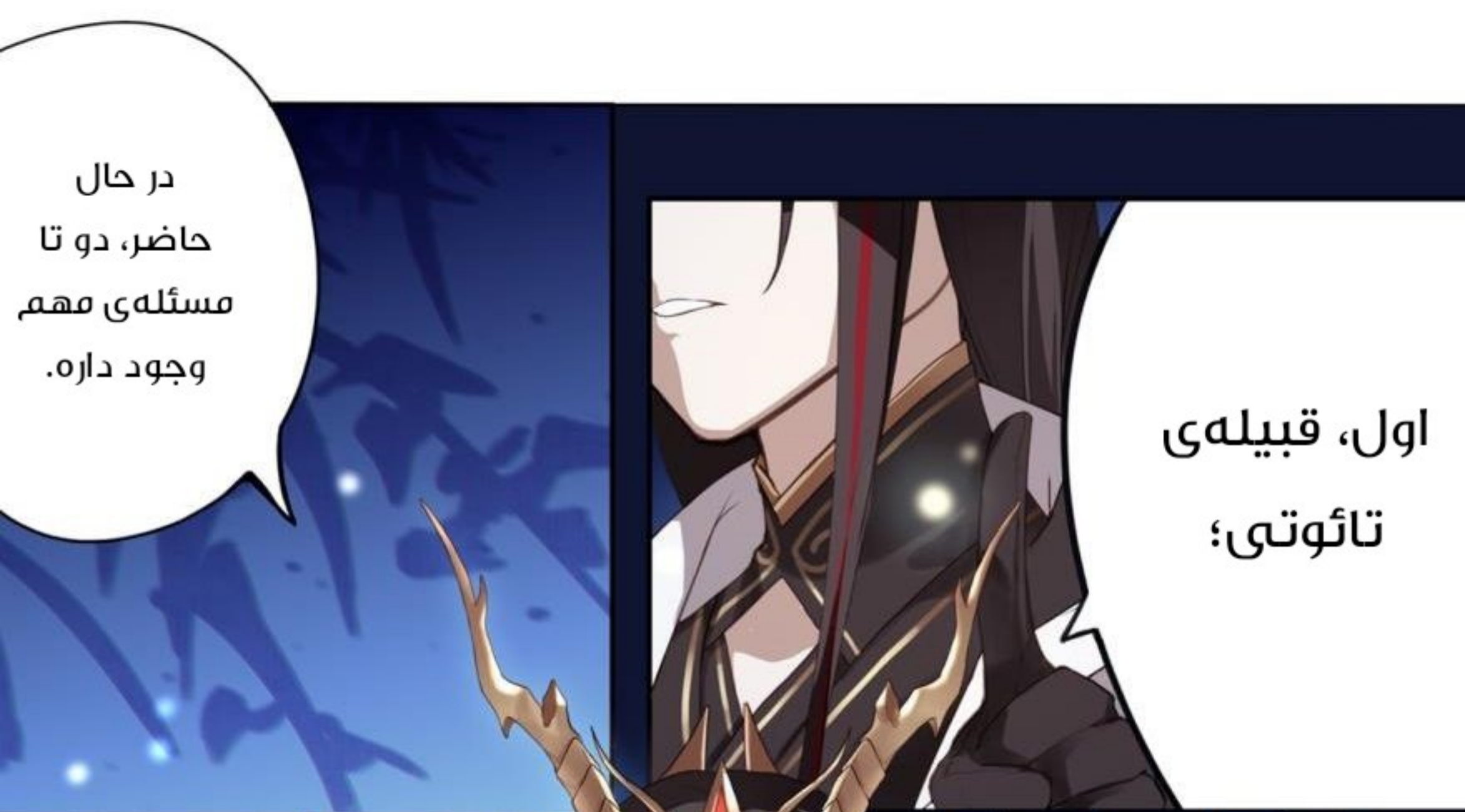
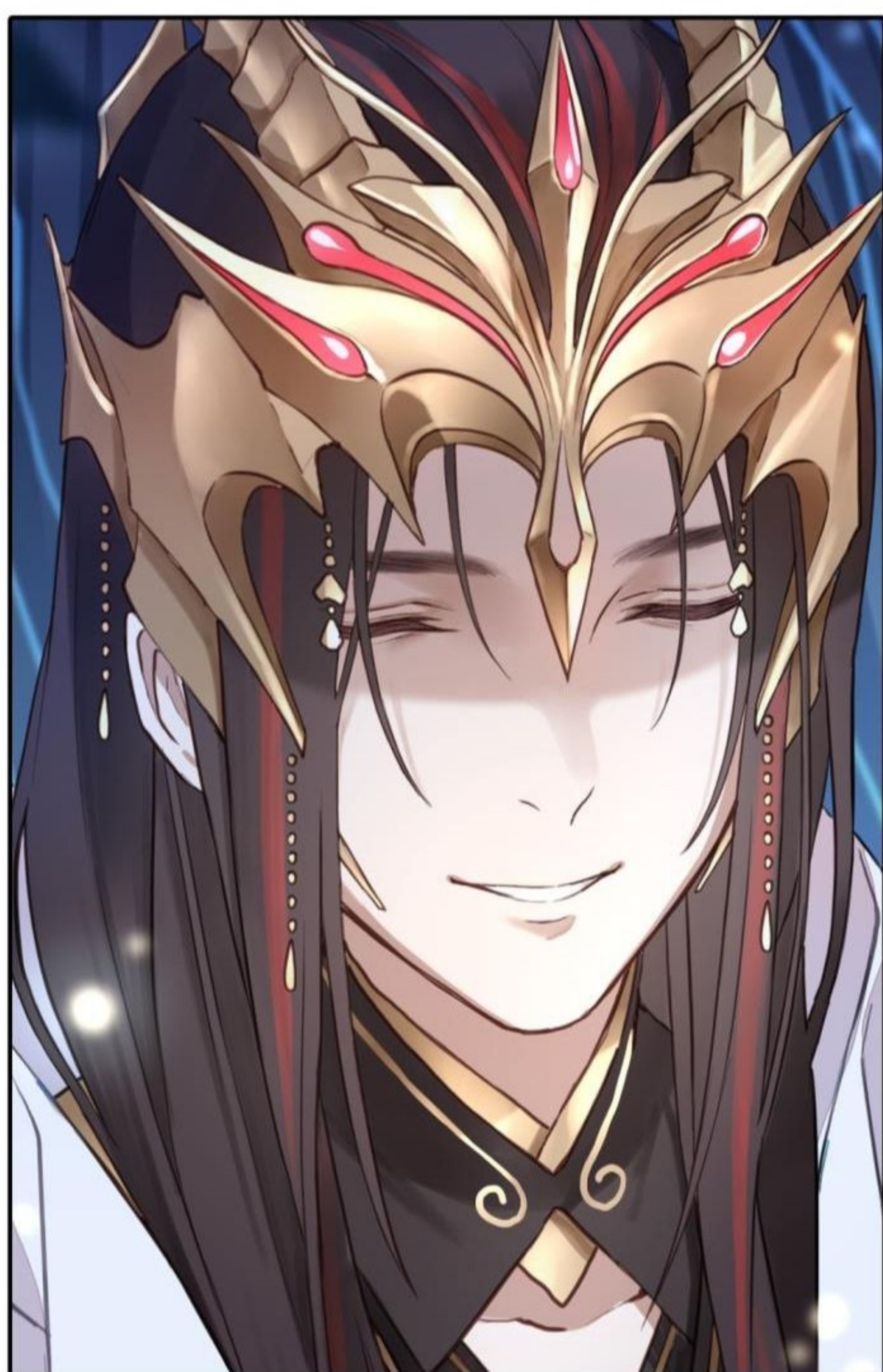
باز کردن  
چشمها



بالاخره  
اومدین.











ارباب ژوان یوان، چرا  
هنوزم با پیشگویی کردن از  
بدنتون کار می‌کشین؟!



گوش کن.  
معلوم شده که  
قبیله‌ی تائوتی می‌خواهد  
علیه عرش شورش کنه.  
پس شما دو تا حواستون  
بهشون باشه.



شائویان،

\*Shao Yan



فانگیو.

\*Fang Yue





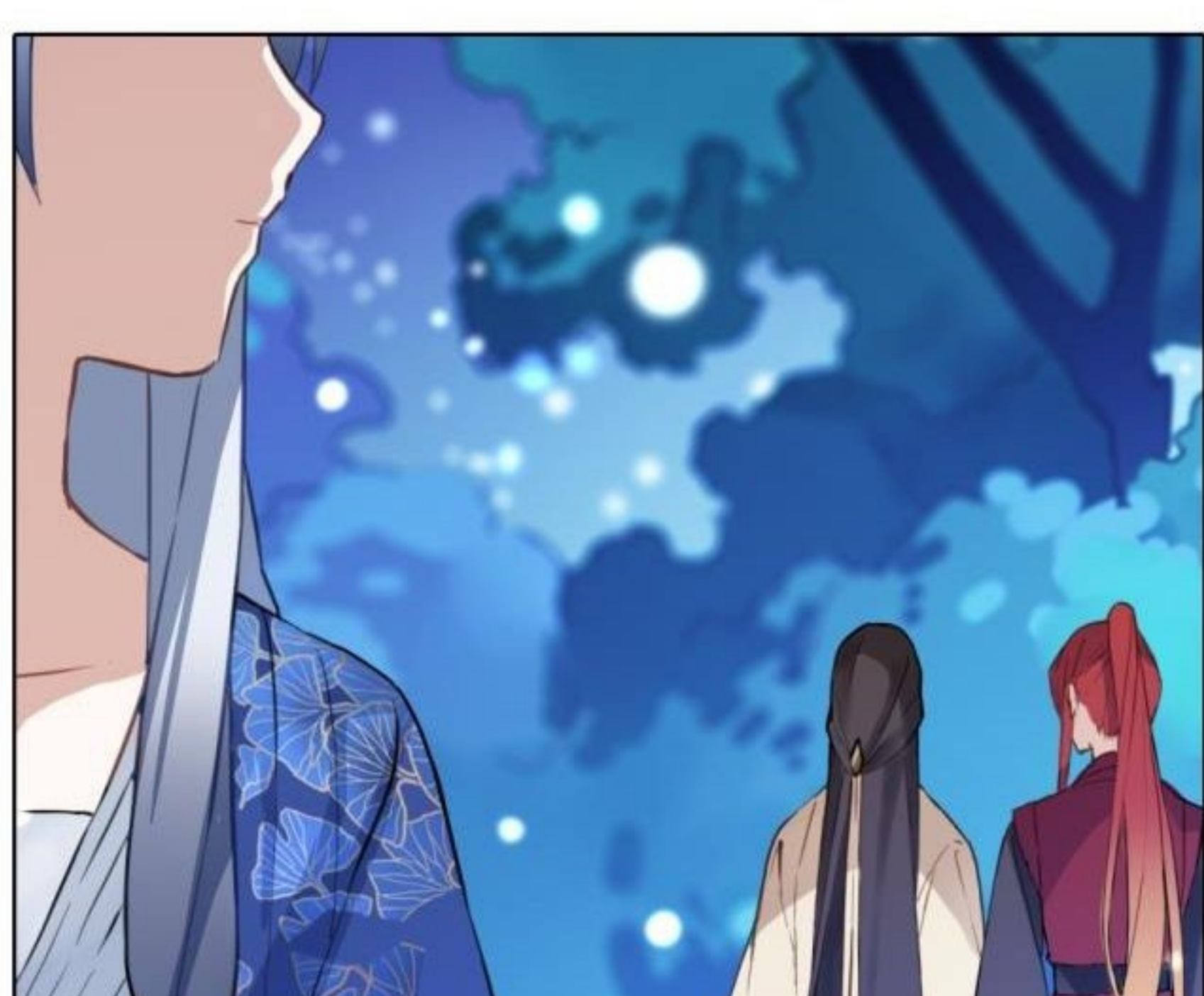
ارباب ژوان یوان،  
لازمه اینو به تیان دی  
گزارش بدیم؟



هیسس...



متوجه  
شدم.








او، و یه چیز  
دیگه، من چوانیو  
رو از بین ببرین.




می تونی این  
کارو بکنی؟

لینگین؟

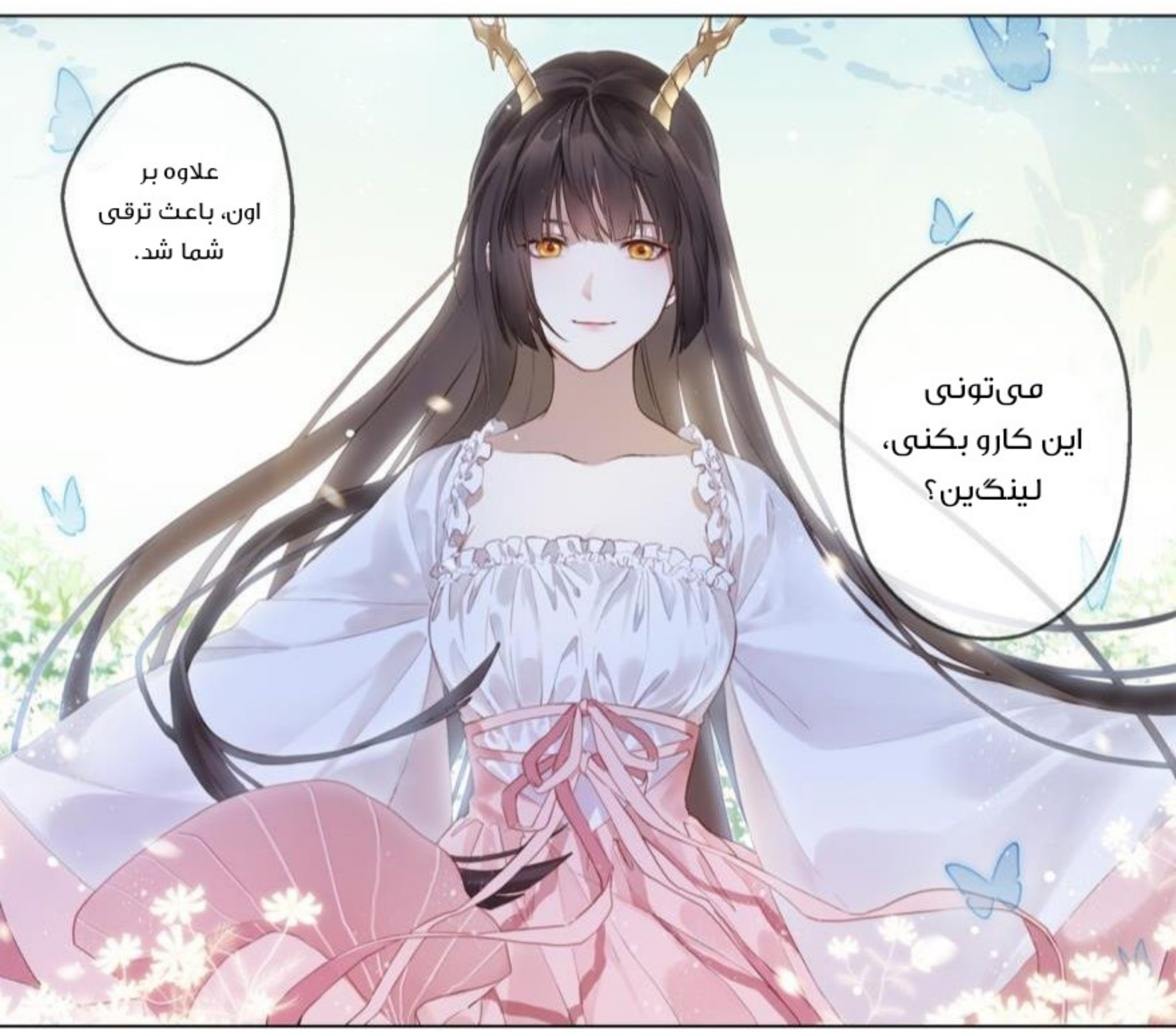




چرا ارباب ژوان یوان؟  
اون خواهر کوچیکتر شماست،  
علاوه بر اون...



علاوه بر  
اون؟



علاوه بر  
اون، باعث ترقی  
شما شد.

می تونی  
این کارو بکنی،  
لینگین؟





نه...

من...



بیا اینجا،  
فرزدم.



قبلاً گفته  
بودی که فقط از  
من اطاعت می‌کنی و  
باقی عمرتو به عرش  
وفادار می‌مونی.





در حال حاضر  
عرش داره تغییرات  
عظیمی رو تجربه  
می‌کنه.

فکر نمی‌کنی  
الان باید به قولت  
عمل کنی؟



فرزند عزیزم،  
می‌دونم برات  
سخته،

اون تنها خواهریه  
که دارم،

ولی اون می‌تونه لحظه‌ای  
به خدا و لحظه‌ی دیگه تبدیل  
به شیطان بشه.

ندانم  
قروچه





من  
چوانیو الان یہ  
شیطانہ.



قبیلہک تائوتی، یان رونغ کاٹو.

\*Yan Eong Caue



اھم...





شما دو تا...

هنوز روی برگشتن به خونه رو دارین؟



چطور ممکنه که تو قبیله‌ی ما، قبیله‌ی تائوتی، دو تا تیکه آشغال مثل شما وجود داشته باشه؟!



دیگه تکرار نمی شه!

متاسفیم!

غررررر! این گنده می زنه به عالم!



شما دو تا قراره رهبر کل قبیله‌ی  
تائوتی بشین و ما رو به سمت آینده‌ی  
روشن‌تر ببرین، چطور می‌تونین تو  
این سن انقدر خودسر باشین؟



خصوصاً تو،  
یون‌هوانگ.



می‌دونی  
یه تائوتی  
سفید چقدر  
بارزشه؟!





نه تنها از  
خودتون محافظت  
نکردین، بلکه حسابی  
هم ول گشتین.



می‌دونین چه خطراتی تهدیدتون می‌کنه اگه  
ساکنان عرش شما رو بشناسن؟



تبدیل به سگ  
وفادار و آلت دست  
اونا می‌شین!



کشیش  
عرش شما رو  
برای همیشه  
محدود می-  
کنه!







ولی چرا؟  
مخلوقات زیادی تو  
دنیا هستن، چرا فقط  
افراد قبیله‌ی تائوتی باید  
خودشونو مخفی  
کنن؟

با توجه به  
بدن و قدرتمون  
نیازی نیست از اون  
خداهای ضعیف  
بترسیم.



تو دنیای  
انسان‌ها  
دیدي؟

تا حالا  
قبیله‌ای مثل  
خودمون...



می‌دونی  
چرا، بانو یون-  
هوانگ؟







چون همه ی اونا مطیع...



یا بازپچه ی عرش می شنید؟





یا... خیلی ساده از این  
دنیا محو می‌شن.

ما، قبیله‌ی تائوتی،  
نسل‌ها با عرش جنگیدیم، فقط  
به‌خاطر اینکه از حق آزادی  
خودمون دفاع کنیم.

ما داریم ضعیف  
می‌شیم، و شما دو تا  
هنوز برای رهبری ما آماده  
نیستین.







ارباب جوان  
یونیا و بانو یون-  
هوانگ، هیچ راهی  
نیست که ما بتونیم  
سرنوشت کل قبیله‌ی  
تائوتی رو به کسایی  
مثل شما دو تا  
بسپریم!



